

دکتر نعمت احمدی
استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
nematahmedi@gmail.com
یونس صادقی
کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
Ysadeghi89@gmail.com

جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران

(با تاکید بر نقش انگلیس)

چکیده

جنگ جهانی دوم که در پی یک سلسله مناقشات سیاسی در سال 1939 م/1318ش آغاز شد، پیامدهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی متعددی در ایران داشت. حضور نظامی متفقین در ایران در خلال سال‌های 1320-1324، همواره مورد توجه بسیاری از مورخان بوده است. دولت‌های فروغی، قوام، سهیلی، بیات، صدر الا شرف و حکیمی در این مقطع زمانی روی کار آمدند. فروغی به عنوان نخستین نخست‌وزیر پس از برکناری رضاشاه، نقش تعیین کننده ای در آرامش بخشیدن به اوضاع ایفا کرد. دوران نخست وزیر قوام، به بحرانهای اقتصادی ناشی از حضور متفقین در ایران و تبعات ناشی از جنگ جهانی دوم در ایران سپری شد. دوره سهیلی با کنفرانس متفقین در ایران همراه بود که به کنفرانس تهران مشهور گردید. به طور کلی ویژگی اصلی سال 1320-1324 و دغدغه اصلی دولت‌های ایران طی آن دوران درگیری با تبعات ناشی از حضور متفقین در ایران و مسائل مربوط به پس از جنگ در حوزه ملی و بین المللی بود. مقاله حاضر در صدد است تا با روش تاریخی و با استفاده از کتاب‌ها، اسناد و مدارک به بررسی وضعیت ایران در جریان اشغال متفقین پرداخته و تأثیر حضور متفقین به خصوص انگلیس در روند سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران را به بحث بگذارد. در این مقاله این پیش فرض مطرح است که رویکرد دولت نسبت به اشغال ایران در خیلی از موارد انفعالی و ناشی از قبول خواسته‌های متفقین بود. بنابراین موضع انفعالی دولت در سیاست خارجی و عدم ثبات سیاسی در مسایل داخلی باعث فشار اقتصادی بر مردم و بحران‌های اجتماعی گردید.

کلید واژه ها: جنگ جهانی دوم، متفقین، دولت‌های ایران، اشغال، انگلیس.

مقدمه:

شروع جنگ جهانی دوم در شهریور 1318/ سپتامبر 1939، با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. این اتفاق شروع فصلی بود برای ایران که درگیر مسائل مهم بین‌المللی شود. در این بین با توجه به نزدیکی رضاشاه به آلمان نازی و همکاری‌های گسترده سیاسی و اقتصادی که بین دو کشور وجود داشت، این خطر را برای متفقین (انگلستان، شوروی) به وجود آورد که نزدیکی ایران به آلمان به منافع استراتژیک آن‌ها در جنگ لطمه وارد می‌کند. با وجود اعلام بی‌طرفی ایران در طی جنگ که رسماً از سوی مقامات دولتی اعلام شده بود اولتیماتوم‌های شدیدی از سوی متفقین به ایران داده می‌شد که روابط تهران-برلن کاهش پیدا کند. با وجود کاهش روابط ایران و آلمان، متفقین به منظور دستیابی به اهدافشان در 3 شهریور 1320 ایران را مورد حمله زمینی، دریایی و هوایی قرار داده و کشور را تحت اشغال خود در آورند. این اتفاق باعث استعفای رضاشاه از حکومت شد. از این پس فصل نوینی در تاریخ معاصر ایران شکل گرفت. در فاصله شهریور 1320 که مقارن با رفتن رضاشاه از قدرت و به حکومت رسیدن محمدرضا شاه بود تا سال 1324 که جنگ جهانی به اتمام می‌رسد، ایران درگیر اشغال متفقین و منازعات بین‌المللی می‌شود.

بی‌طرفی ایران

در اولین روزهای جنگ جهانی دوم، دولت ایران بی‌طرفی خود را اعلام نمود. رضا شاه در نطق خود در مراسم افتتاح دوازدهمین دوره مجلس شورای ملی بر این موضوع تاکید و اظهار امیدواری کرد که دولت ایران، روابط دوستانه خود را با کلیه کشورها اعم از متخاصم یا غیر متخاصم حفظ کند.^۱ در 11 شهریور 1318 یک روز پس از آغاز جنگ جهانی دوم بیانیه رسمی از سوی محمود جم نخست وزیر وقت در مورد بی‌طرفی ایران در جنگ صادر شد. «در این موقع که متأسفانه ناپره جنگ در اروپا مشتعل گردیده است، دولت شاهنشاهی ایران به موجب این بیانیه تصمیم خود را به اطلاع عموم می‌رساند که بی‌طرف مانده و بی‌طرفی خود را حفظ خواهد کرد»^۲ علی اصغر حکمت وزیر کشور نیز بیانیه‌ای خطاب به اتباع بیگانه صادر کرد که در آن آمده بود: «به بیگانگان در ایران که تحت هر عنوان زیست می‌نمایند لزوماً آگاهی داده می‌شود از ابراز هرگونه احساساتی که منافی

بیطرفی کشور ایران باشد، جداً خودداری کرده و متوجه باشید که مبادا برخلاف مقررات بیطرفی، حرکتی از آن‌ها ناشی شود و به وسیله وزارت امور خارجه به سفارتخانه‌های خارجی در ایران این بیطرفی اطلاع داده شد و از آن‌ها خواسته شد که بیطرفی ایران را محترم بشمارند، چرا که ایران مصمم به حفظ بیطرفی خود در تمام احوال می‌باشد.^۳»

درباره نقض بی‌طرفی ایران و حمله متفقین در نخستین ساعات سوم شهریور 1320 به ایران، تاکنون خاطرات، اسناد، رساله‌ها و مقالات متعددی به زبان‌های مختلف در داخل و خارج از کشور انتشار یافته است. در برخی از نوشته‌ها دلیل اصلی حمله متفقین به ایران «راه ایران» برای ارسال کمک‌های متفقین به خاک شوروی و حفاظت هرچه بیشتر و بهتر از مناطق نفت‌خیز منطقه عنوان گردیده است؛ سر کلارمونت اسکراین^۴ در خاطراتش به این مسئله اشاره نموده است.

با وجودی این که دولت جم بلافاصله پس از شروع جنگ اعلام بی‌طرفی نموده، و وزیر امور خارجه نیز این اطمینان را به دول خارجی داده بود. انتخاب دکتر متین دفتری^۵ به ریاست دولت، دلیل مهم و قاطعی برای کشورهای خارجی بود که حکومت ایران یکی از رجال طرفدار آلمان خود را در رأس دولت قرار داده است و بدین ترتیب دولت ایران در این جنگ خود را طرفدار آلمان معرفی نمود.^۶ با حمله آلمان به شوروی، ایران عملاً درگیر جنگ بین متحدین و متفقین قرار گرفت.

رضا شاه پس از فشار متفقین دکتر متین دفتری را برکنار و علی منصور را به جای او منصوب کرد و ضمناً ورود نشریات تبلیغاتی آلمان را به ایران ممنوع ساخته و فعالیت آلمانی‌های مقیم ایران را تحت نظارت دقیق قرار داد و با این اقدامات خود گمان می‌کرد دیگر دو دولت بزرگ همسایه کاری به کار دولت ایران نخواهد داشت.^۷ اما اوضاع بر طبق خواسته رضاشاه پیش نرفت. از این زمان به بعد کم‌کم فشار نیروهای متفقین بر ایران زیاد می‌شد. در این زمان گزارش‌هایی از حدود عراق می‌رسید مبنی بر این که قوای انگلیس به بعضی از نواحی سرحدی اعزام شده‌اند. وقتی این مسئله با سفارت انگلیس در میان نهاده می‌شد، آن‌ها جواب می‌دادند که قوا مشغول تمرین هستند که برای جبهه‌های جنگی مهیا می‌شوند.^۸ بر طبق اسناد از طبقه بندی خارج شده وزارت امور خارجه انگلستان، به این نتیجه رسیده بودند که باید ایران را اشغال کنند.

و خا 371-27230-ای 3707

«ما باید بدانیم که پاک کردن ایران از حضور آلمانی‌ها برای دفاع از هند ضرورت فوری دارد. اگر این کار انجام نشود امکان دارد حوادثی نظیر آنچه در عراق روی داد، تکرار شود. لازم است با روس‌ها برای اقدام در ایران همدست شویم در صورتی که دولت کنونی ایران آماده برای انجام کمک‌های لازم جهت تأمین این کار نباشد، باید حکومت دیگری جایگزین آن شود که حاضر برای انجام آن شود.» در سند دیگر وزارت امور خارجه انگلستان در همین مورد آمده است:

(20/4/18)41/7/9

و خا 371-27230-ای 27151

گزارش بولارد به وزارت خارجه انگلیس

شاه احتمالاً از دست زدن به اقدام شدیدی علیه آلمانی‌ها به علت آن بیمناک است که در اثر آن ممکن است حکومت آلمان آشکارا وی را مورد حمله قرار دهد و مردم ایران را علیه وی تحریک کند. این امر نشانه آن است که او می‌داند تا چه اندازه فاقد محبوبیت در میان مردم ایران است. با وجود این، غرور وی و ترس و هراسی که وزیرانش از دیدن او احساس می‌کنند روی هم مانع می‌گردد که وی کاملاً این مطلب را درک کند.^۱

در 28 تیرماه 1320 سر ریدر بولارد^۱ و اسمیرنف^{۱۱} سفرای انگلیس و شوروی در تهران، اولین یادداشت مشترک دو کشور را تسلیم دولت ایران کردند. در این یادداشت از فعالیت آلمانی‌های مقیم ایران ابراز نگرانی شده و دو سفیر خواهان اخراج آن‌ها شده بودند. انگلیسی‌ها حضور آلمان‌ها را بهانه تهاجم خود قرار داده بودند چرا که کابینه جنگ انگلیسی‌ها در جلسه محرمانه‌ای که در 4 اوت 1941/13 مرداد 1320 یعنی حدود سه هفته قبل از اشغال ایران داشتند در مورد خطر وقوع کودتای اتباع آلمانی در ایران، به این نتیجه رسیدند که اتباع آلمانی بدون دخالت مستقیم نظامی و اشغال ایران در موقعیتی نیستند که کودتا کنند. در این گزارش بر این نکته تأکید شده بود که دخالت نظامی آلمان در موقعیتی کنونی ناممکن است، زیرا ترکیه اجازه نخواهد داد سربازان ارتش آلمان برای حمله با ایران از خاک ترکیه عبور کنند.^{۱۲} اما با این وجود، متفقین فشار بر ایران به بهانه‌ی

حضور آلمانی‌ها را تشدید کردند. آن‌ها چند هفته قبل از اشغال رسمی ایران، تهاجماتی به قسمت‌های مرزی ایران داشتند.^{۱۳} از روز 25 مرداد دولت‌های شوروی و انگلیس از دولت ایران خواستند که اتباع آلمانی را از خاک خود اخراج نمایند. سفارت انگلیس در یادداشتی که تسلیم دولت ایران کرد ده مورد را به ایران گوشزد کرد از جمله اینکه ایران اقداماتی به عمل آورد تا آلمانی‌هایی که پروانه اقامتشان منقضی و رفتارشان مورد سوءظن واقع شده، در اسرع وقت از مملکت خارج شوند همچنین مستخدمین فنی آلمانی باید تحت سرکشی و مراقبت کامل قرار بگیرند و محدود شوند.^{۱۴} همان روز رادیو لندن در گفتاری اعلام کرد که در ایران 2500 تا 2700 آلمانی امنیت همسایگان را بهم می‌زنند و در اوضاع فعلی، ایران مرکز عمده جنگ در آسیا محسوب می‌شود. نگرانی دیگر انگلستان تأسیسات و منابع نفتی ایران در جنوب بود. خرابکاری در صنایع و تأسیسات نفت از اهداف مهم آلمان در ایران به شمار می‌رفت. به علاوه پیشروی ارتش آلمان در جبهه شرق (شوروی) و نزدیکی آنان به قفقاز تهدید دیگری برای متفقین بود.

رضا شاه در جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشکده افسری اقدسیه در مرداد 1320 پس از اعلام تبریک به دانشجویان فارغ‌التحصیل، اعلام کرد که امسال از اعطای یک ماه مرخصی دانشجویان خبری نیست و این نخستین اظهار نظر آشکار دولت ایران در مورد بحران به وجود آمده پیش از اشغال ایران بود.^{۱۵} سفارت انگلیس اندکی بعد یادداشت شدید الحن را خطاب به دولت صادر کرد که در آن آمده بود: «باعث تأسف است که دولت ایران هنوز مقتضی ندانسته است جواب رضایت بخش به یادداشت مورخه 16 اوت (25 مرداد) بدهد. از قرار معلوم دولت ایران با ابقای اتباع آلمان در ایران بالنسبه به انجام تمایلات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مسئله‌ای که در اثر اوضاع و حوادث جنگ کسب فوریت نموده و می‌نماید بیشتر اهمیت می‌دهد. دولت ایران باید مسئولیتی را که در اثر این تصمیم می‌گیرد عهده دار گردد. در این صورت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خود را مجبور می‌داند که اقدامات لازمه را برای حفظ منافع حیاتی خود به عمل آورده و خطری را که از عملیات محتمله آلمانی‌ها در ایران ناشی می‌شود برطرف سازد».^{۱۶} پس از این، دو کشور مصمم به حمله شدند. نمایندگان سیاسی دو کشور انگلیس و شوروی در یادداشتی به علی منصور نیت خود را به اطلاع دولت ایران رساندند. آن‌ها در یادداشت خود عنوان کردند که: «چون دولت ایران در پاسخ به درخواست‌های 21 تیرماه و 25 مرداد ماه 13320 دولت‌های انگلیس و

شوروی، در این موقع تاریک و خطرناک، سیاست مبهم در پیش گرفته و اظهارات و تذکرات دوستانه ما را با حسن نیت تلقی نکرد و در بیرون کردن عمال آلمانی هیچ گونه اقدامی ننمود، بدین جهت دولت‌های شوروی و انگلیس ناگزیر دیدند، به نیروهای مسلح خود دستور دهند از مرزهای ایران عبور نمایند و اینک با کمال تأسف به آقای نخست وزیر اطلاع می‌دهیم که واحدهای شوروی و انگلیس طبق دستور ستادهای مربوطه خود وارد خاک ایران شدند و مشغول پیشروی هستند. بدیهی است که این اقدام علیه استقلال ایران صورت نگرفته. بلکه منظور از آن جلوگیری از عمال آلمانی است که امنیت شوروی را به مخاطره انداخته و پس از رفع خطر از کشور شوروی، نیروهای انگلیس و شوروی از خاک ایران خارج می‌شوند و تمامیت ایران را به رسمیت می‌شناسند.^{۱۷} پس از این موضع گیری نیروهای متفقین در آگوست 1941/شهریور 1320 وارد خاک ایران شدند. نیروی انگلیس در جنوب و مغرب خطی که از نقاط خانقین، کرمانشاهان، خرم آباد، مسجد سلیمان، هفتگل، گچساران، رامهرمز و بندر دیلم و نیروی شوروی در شمال خطی که از قصبه اشنو، حیدر آباد، میاندوآب، زنجان، قزوین، خرم آباد، مازندران، بابل، زیرآب، سمنان، دامغان، شاهرود، علی آباد تا رود اترک می‌گذشت مستقر شدند.^{۱۸} سربازان لشکر دهم هندی که از چند ماه پیش در خانقین مستقر شده بودند، به فرماندهی «ژنرال اسلیم» در منطقه قصر شیرین از مرز ایران گذشتند و در همان آغاز حمله، قصر شیرین را در اختیار گرفتند و روز بعد نیروهای ایران متمرکز بین قصر شیرین و کرمانشاه را ناچار به تسلیم نمودند و چند روز بعد که به ارتش ایران در تمام جبهه‌ها دستور ترک مقاومت داده شد، شهر کرمانشاه را نیز اشغال کردند و مراکز نظامی را در اختیار گرفتند. هم‌زمان با این عملیات، لشکر هشتم پیاده نظام هندی که در بصره مستقر بود، در همان ساعات پیش از بامداد سوم شهریور به فرماندهی «ژنرال هاروی» بندر خرمشهر، تأسیسات نفتی آبادان، تأسیسات نظامی و بندری خرمشهر، بندر شاهپور و راه آهن بندر شاهپور به اندیمشک را در اختیار گرفت و تلفاتی هم متحمل شد. پیش از هجوم لشکر هشتم پیاده نظام هندی، در نیمه شب سوم شهریور، تأسیسات دریایی و ناوها و هواپیماهای نیروهای دریایی ایران بر اثر حمله جنگنده‌های انگلیس از هم پاشیده شد و خرمشهر و اهواز نیز بمباران گردید. پالایشگاه نفتی آبادان و گچساران و مسجد سلیمان نیز در اختیار ارتش انگلیس درآمد.^{۱۹} در چهارشنبه 5 شهریور نخست وزیر و هیئت دولت استعفای خود را تقدیم رضا شاه کردند که مورد قبول واقع شد و تا تشکیل دولت جدید، کفیل‌ها و معاونین وزارت خانه‌ها مراقب جریان امور شدند.^{۲۰}

سفیر انگلیس با اشاره به این حوادث می‌نویسد: «موقعی که خبر عزیمت قوای شوروی از قزوین به سوی تهران با تلفن به رضاشاه اطلاع داده شد، او یقین کرد که روس‌ها برای سرنگونی‌اش از سلطنت عازم تهران هستند و همچنین به خوبی می‌دانست که در این فاصله هیچ نیرویی انگلیسی برای حمایت از او وجود ندارد»^{۲۱} و چون وضعیت را بحرانی دید فروغی را مأمور انجام مذاکره با متفقین ساخت. و او با سفرای روس و انگلیس به مذاکره نشست که نتیجه‌ای در بر نداشت. مجلس شورای ملی نیز در 18 شهریور 1320 خود به موضوع اولتیماتوم متفقین به ایران پرداختند.^{۲۲}

روزنامه اطلاعات در 19 شهریور مطالبی را منتشر ساخت که از اقدامات دولت مبنی بر حل مشکلات مردم انتقاد کرده بود. همچنین چون در تهران به دروغ منتشر شده بود که عده از آلمانی‌های مقیم ایران فرار کرده‌اند یا مخفی شده‌اند. دولت‌های روس و انگلیس همین فرار اتباع آلمانی را بهانه کردند و گفتند چون دولت ایران قادر به انجام تعهدات خود مبنی بر اخراج آلمانی‌ها از ایران نیست لذا چاره‌ای نیست جز قوای روس و انگلیس تهران را اشغال کنند. همچنین روس‌ها و انگلیس‌ها که سخت از انتشار روزنامه اطلاعات متوحش شده بودند روزنامه را برای چند روز توقیف کردند.^{۲۳} متفقین خواسته‌های دیگری هم از دولت داشتند از جمله اینکه ارتش از کلیه نقاطی که از طرف متفقین اشغال شده ترک مقاومت و تخلیه کند، کلیه اتباع آلمان به استثنای اعضای سفارت و چند کارشناس اخراج شوند، ایران متعهد به حمل و نقل اسلحه و مهمات و ادوات جنگی به روسیه شود، انگلیسی‌ها حق ایران از نفت جنوب را تأمین و پرداخت کنند و در نهایت خروج نیروهای انگلیسی و روسی از ایران، پس از عادی شدن وضعیت جنگ.^{۲۴}

علاوه بر مسئله آلمان‌ها، موقعیت مهم ایران به لحاظ سوق الجیشی نیز باعث توجه متفقین به ایران شد. عواملی مثل حمل و نقل، نفت، استفاده از مؤسسات مختلفه، خواربار و پول در این تصمیم متفقین نقش داشتند.^{۲۵}

چند عامل سیاسی و استراتژیک در نحوه شکل‌گیری سیاست بریتانیا در قبال ایران در طول جنگ جهانی دوم موثر بوده‌اند:

الف) ایجاد و نگهداری از یک منطقه حائل برای دفاع از هندوستان در برابر هرگونه رخنه یا تجاوز نظامی اتحاد شوروی، حفظ و حراست ایران به مثابه یک دولت مقتدر و مستقل و دوست بر تقسیم کشور به دو حوزه نفوذ شوروی و بریتانیا ارجحیت داشت

ب) حفاظت از حوزه‌های نفتی برای شرکت نفت انگلیس و ایران

ج) تسلط بر خلیج فارس، دروازه هندوستان و شرق، که برای جلوگیری از تلاش‌های هر قدرت خارجی مبنی بر کسب یک پایگاه دریایی یا استحکامات بندری در آن سامان ضرورت داشت^{۲۶}.

چرچیل نخست وزیر زمان جنگ می‌گوید: «لزوم ارسال انواع و اقسام ساز و برگ و مهمات برای شوروی از یک طرف و اشکالات روزافزون راه اقیانوس منجمد شمالی و نقشه‌های استراتژیکی متفقین در آینده از طرف دیگر، بیش از پیش ما را بر آن داشت که برای استفاده کامل از ایران به منظور ارتباط با شوروی، اقدام فوری معمول داریم چاه‌های نفت ایران به منزله عامل مهمی در جنگ به شمار می‌رفت^{۲۷}.

در همین زمان پایتخت در تب شدید بحران سیاسی می‌سوخت. مغازه‌های بزرگ تعطیل شده بود و شایعه انتقال پایتخت از تهران به اصفهان زبان به زبان می‌گشت^{۲۸}. در چنین شرایطی بود که فروغی استعفا نامه رضا شاه را تنظیم کرد و در آن از قدرت کناره گرفت^{۲۹}.

دوران آخر حکومت رضاشاه و ورود متفقین به کشور، فصل نوینی در تاریخ ایران به وجود آورد. متفقین با فشاری که بر روی ایران آوردند توانستند به خواسته‌های خود جامعه عمل ببوشانند. ورود متفقین به خاک کشورمان از طرفی ایران را از وجود رضاشاه پاک کرد اما از طرفی دخالت‌های متفقین در امور جاری مملکت، استقلال سیاسی کشور را در معرض خطر قرار داد. در حوزه سیاست خارجی فقدان اتحاد ملی مانع بسیاری از تصمیمات رضاشاه بود. کناره‌گیری او از حکومت جامعه را در یک هرج و مرج و آشوب فرو برد اما حضور نیروهای خارجی کمک کرد به جلوگیری از فروپاشی سیستم سیاسی. از طرفی دیگر سیاست رضاشاه نسبت به روسیه و بریتانیا و تصمیم برای تجهیز کردن ارتش اش در برابر آنها نومیدکننده بود. همه‌ی اینها به همراه اطمینان بیش از حد رضایت به خود به بحران ایران در 1320/1941 انجامید^{۳۰}.

نخست وزیران

پس از استعفای رضاشاه، محمد علی فروغی به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. از مهم‌ترین مواردی که در این برهه تاریخی به وقوع پیوست، موضوع اعلامیه ملل متحد بود.^{۳۱} پس از آنکه دولت ایران به اعلامیه ملل متحد پیوست. امریکا و انگلیس و شوروی نکات ذیل را به دولت ایران اطلاع دادند:

الف) هرگاه ایران با یک یا بیشتر از ملل محور وارد جنگ گردد با این اقدام می‌تواند به اعلامیه ملل متحد ملحق شود.

ب) ایران صرفاً با الحاق به اعلامیه تعهدات نظامی یا اقتصادی اضافی به عهده نخواهد گرفت لیکن امید می‌رود که از آن پس جدی‌ترین اقدامات ممکنه را در داخل حدود ایران برای همکاری مادی به عمل آورد و در مبارزه و تلاش که برای پیروزی بر هیتلریسم می‌شود کمک نماید.

ج) مزایایی که در الحاق نصیب ایران می‌گردد واضح است که همان مزایایی خواهد بود که از شرکت رسمی و کامل دو دولت متحد در این جنگ ناشی خواهد گردید.

د) همین‌که ایران به اعلامیه ملحق گردد، در شرکت کنفرانس‌های مناسب مربوطه صلح همان حقوقی را خواهد داشت که سایر ملل متحد دارا می‌باشند.^{۳۲}

در دوره کوتاه 6 ماهه دولت فروغی اتفاقات مهمی در کشور رخ داد. یکی از مهم‌ترین این موارد پیمان اتحاد سه‌گانه با متفقین بود. موضوع انعقاد این پیمان که پیش‌نویس اش در جلسه‌ای 13 سپتامبر 1941 (23 شهریور 1320) در کمیته‌ی روسای ستاد نیروهای مسلح انگلیس تصویب شده بود، پس از استعفا و خروج رضاشاه از ایران، مقارن با اواخر شهریور 1320 مطرح گردید و در 23 سپتامبر 1941 به بولارد دستور داده شد که به اطلاع نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه ایران برساند که انگلیس و شوروی آماده‌ی مذاکره درباره‌ی پیمان اتحاد با ایران هستند، مشروط بر اینکه مسئله‌ی سفارتخانه‌های دول محور و اعضای آن به نحو رضایت بخشی حل شود. فروغی نیز به وزیر مختار انگلیس قول مساعد داد تا پس از رفع بحران سلطنت کشور که بر اثر کناره‌گیری رضاشاه به وجود آمده بود اقدامات لازم را برای عقد پیمان اتحاد بین سه کشور به عمل آورد.

انگلیس‌ها در این قسمت کوشش داشتند که به دنیا وانمود کنند که اگر ما به کشوری قدم می‌گذاریم برای دوستی و اتحاد متساوی‌الطرفین است نه برای از بین بردن آن و سعی این را داشتند که یک اتحاد و پیمانی بین طرفین بسته شده و انعقاد آن را به دنیا اعلام دارند. دولت فروغی هم مایل بود هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اقتصادی سعی نماید خسارات وارده به مردم و دولت جبران گردد. او می‌گوید: «باید صریحاً بگوییم که اولاً از طرف دولتین نشده است که حق مداخله در امور کشوری و لشکری ما را برای خود قائل شوند و اگر هم بشود دولت حاضر نیست آن را بشنود، دولت تکیه گاه قانون اساسی و افکار عمومی ملت می‌باشد و به هیچ وجه حاضر نخواهد بود که سر مویی از استقلال کشور کاسته شود» فروغی برای تصویب پیمان از طرف مجلس شورای ملی نیز تلاش می‌کرد، زیرا دو سه نفر از وکلا چون به عقیده خود تصویب آن را به ضرر ایران می‌دانستند به سختی مقاومت می‌کردند. فروغی با منطق و استدلال ذهن نمایندگان مجلس را روشن می‌نمود^{۳۳}.

دولت همچنین تمایل داشت که مسئله‌اش با متفقین روشن شود، پس فروغی نخست وزیر و علی سهیلی وزیر امور خارجه وارد مذاکره با شوروی و انگلستان شدند تا اشغال ایران را به صورت اتحاد با متفقین در آورند. مذاکرات در محیطی بحرانی آغاز شد زیرا افکار عمومی ایران نسبت به دو دولت اشغالگر نظر نامساعد داشتند^{۳۴}. اما این پیمان در عصر روز پنج شنبه نهم بهمن ماه 1320 شمسی (29 ژانویه 1942 میلادی) در کاخ وزارت امور خارجه امضا شد^{۳۵} پیمان در 9 فصل تنظیم شد که در فصل سوم آن متفقین متعهد شدند که ایران را در مقابل هر تجاوزی از طرف آلمان یا هر دولت دیگر دفاع نمایند و ایران نیز متعهد می‌شود که با دول متحده همکاری نماید^{۳۶}. مجلس شورای ملی نیز این پیمان را تصویب کرد.

[شیر و خورشید]

مجلس شورای ملی، دوره سیزدهم قانونگذاری

مورخه: 6 بهمن ماه 1320، شماره 2008

قانون اجازه مبادله پیمان اتحاد منعقدہ بین دولت شاهنشاهی ایران و دول اتحاد جماهیر شوروی

و انگلستان

ماده واحده- مجلس شورای ملی پیمان اتحاد بین دولت شاهنشاهی ایران و دول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان را که مشتمل بر 9 فصل و شش نامه می‌باشد و در تاریخ 24 آذر ماه 1320 از طرف نمایندگان سه دولت پاراف شده، تصویب و به دولت اجازه می‌دهد امضا و مبادله شود. این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن پیمان اتحاد پیوست آن می‌باشد در جلسه ششم بهمن ماه 1320 به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی [امضا: حسن اسفندیاری]^{۳۷}

در دوره سهیلی سیاست خارجی به سمتی پیش رفت که دولت بر اثر فشار انگلستان ناگزیر شد قراردادی مالی بین ایران و انگلستان منعقد سازد. به موجب این قرارداد نرخ تسعیر ریال به لیره از 128 تا 130 ریال تعیین گردید. در این قرارداد دولت ایران موظف شد احتیاجات ریالی متفقین را تأمین کند^{۳۸}.

در دوره قوام السلطنه، قوای متفقین پس از پایان فصل برداشت غله ایران را اشغال کرده بودند. متفقین فاقد مواد غذایی کافی برای صدور به ایران بودند. به همین علت مقامات ارتش‌های اشغالگر در ایران کلیه غلات را به سرعت و با زور سرنیزه و یا پرداخت حداقل بهای ممکن تصاحب می‌کردند. در این میان انگلستان روشی را پیش گرفت که محصول سیاست‌های استعماریش در ایران بود. یک کمپانی انگلیسی، غلات موجود در ایران را با نازل‌ترین قیمت می‌خرید و در اهواز (مرکز قوای انگلیسی) انبار می‌کرد. بر اثر کمبود مواد غذایی و اتخاذ سیاست پولی قوای اشغالگر تورمی در حدود 1000٪ ایجاد شد که قدرت خرید مردم را به حداقل رساند. حال آنکه بر طبق ماده 7 پیمان سه‌گانه، متفقین می‌بایست مواد غذایی مورد نیاز خود را از خارج وارد کنند. اما عملاً از این کار شانه خالی می‌کردند و بهانه‌شان کمبود کشتی‌های باری بود از این رو بیشتر احتیاجات خود را با حداقل قیمت در داخل خاک ایران تأمین می‌کردند^{۳۹}. انگلیسی‌ها با بهانه‌های چون شرایط ویژه جنگی و خطرات احتمالی و یا اینکه در صورت خرید گندم ممکن است در اختیار محتکران قرار گیرد از حل کمبود گندم و آرد در ایران شانه خالی می‌کردند. زیرا از این طریق می‌توانستند با گران فروشی گندم ریال بیشتری برای پرداخت حقوق کارگران و خرید مایحتاج خودشان به دست آورند. انگلیس‌ها با استخدام 75 هزار کارگر ایرانی، نیروی کار در بخش تولید به ویژه کشاورزی را کاهش داده بودند.

همچنین نزدیک به 75 درصد شبکه توزیع و حمل و نقل و نیمی از کامیون‌های دولتی را در اختیار داشتند.^{۴۰}

با آمدن دوباره سهیلی به عرصه قدرت، در حوزه سیاست خارجی و داخلی دولت با چالش‌های متعددی مواجه شد. در روز 8 شهریور ماه 1322، از طرف نیروی نظامی دو دولت شوروی و انگلستان، عده‌ای بیشماری از رجال سیاسی، افسران ارتش و کارمندان دولت و روزنامه نگاران را به اتهام همکاری با آلمان و تشکیل ستون پنجم توقیف و در اراک زندانی کردند.^{۴۱} سید محمد تدین وزیر کشور وقت نیز طی اعلامیه‌ای در تایید ادعای آن‌ها، اتهام بازداشت شدگان ایرانی را همکاری با نیروی فاشیست اعلام کرد.^{۴۲} مجلس شورای ملی در همین زمان با اکثریت 80 رای موافق و 8 رای مخالف پیمان اتحاد بین ایران و انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی را که بر اساس منشور آتلانتیک می‌بود تصویب کرد و در نتیجه آن ایران که از زمان وقوع جنگ اصول بیطرفی کامل را رعایت کرده بود در سال سوم جنگ در ردیف متفقین یعنی ملل دموکراسی قرار گرفت.^{۴۳}

کنفرانس تهران

مهم‌ترین اتفاق در دولت سهیلی حضور سران کشورهای متفقین در ایران و انعقاد پیمان سعد آباد در تهران بود. در روز ۶ آذر ۱۳۲۲ هجری شمسی و در میانه جنگ دوم جهانی، کنفرانس چهار روزه رهبران سه کشور عضو متفقین، فرانکلین روزولت رییس‌جمهور آمریکا، وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلیس و ژوزف استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی، در تهران آغاز به کار کرد. کنفرانس تهران که در فاصله روزهای ششم تا نهم آذر ۱۳۲۲ و هم‌زمان با چهارمین سال جنگ دوم جهانی تشکیل شد، تمام وقت خود را صرف طرح نقشه‌های جنگی و مراحل بعدی نبرد تا شکست کامل آلمان و حل مسائل مربوط به بعد از پیروزی را به کنفرانس دیگری موکول کردند. انتخاب تهران برای تشکیل اجلاس رهبران متفقین، از مصوبات وزیران خارجه آمریکا، انگلیس و شوروی در مسکو بود. نشست مشترک آنتونی ایدن^{۴۴} وزیر خارجه انگلستان، کوردل هال^{۴۵} وزیر خارجه آمریکا و مولوتف^{۴۶} وزیر خارجه شوروی در مسکو در اولین روزهای آبان ۱۳۲۲، مقدمه اجلاس رهبران سه کشور در تهران بود و انتخاب تهران برای برگزاری چنین نشستی، پیشنهاد استالین بود که با موافقت روزولت و چرچیل مواجه شد. در جریان این مسئله، آقای سهیلی نخست‌وزیر و آقای ساعد وزیر امور خارجه با

کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی و وزیر امور خارجه انگلستان و با ژنرال هولی نماینده مخصوص رئیس جمهوری کشورهای متحده آمریکا دید و بازدید نمودند. در تمام این جلسات حسن تفاهم کامل بین ایران و متفقین به عمل آمد^{۴۷}. سران کشورهای آمریکا، شوروی و انگلیس، به منظور تبادل نظر و برای طرح و اجرای نقشه ای که موجب شکست قطعی محور و فتح متفقین گردد، مصمم شدند در تهران حضور بهم رسانند و در 7 آذرماه 1322 (نوامبر 1942) فرانکلین روزولت رئیس جمهوری آمریکا، مارشال استالین رئیس دولت شوروی و چرچیل نخست وزیر انگلیس، به تهران آمدند و مذاکرات خود را پیرامون مسائل جهانی و چگونگی شکست قوای محور شروع کردند. کنفرانس سران سه کشور بزرگ در تهران در اعلامیه پایانی خود که شامل یک مقدمه، ۹ فصل و ۶ ضمیمه بود، استقلال و تمامیت ارضی ایران را نیز تضمین کرد و تعهد قبلی انگلستان و شوروی را درباره تخلیه ایران به فاصله شش ماه بعد از پایان جنگ مورد تأیید قرار داد. سران کشورهای سه گانه پس از چند روز توقف در تهران روز دهم آذرماه 1322 این شهر را به مقصد کشورهای خود ترک کردند و مقارن همان روز اعلامیه کنفرانس تهران از طریق فرانسه، انگلستان و آمریکا انتشار یافت^{۴۸} این حادثه یکی از بزرگترین حوادث تاریخ سیاسی ایران بود که تأثیر شگرفی بر نسل‌های آینده ایران بر جای گذاشت. و نه تنها برای مردم بسیار مهم بود بلکه مبدأ منحصر به فرد برای سیاست دنیا شد^{۴۹}

محمدرضا پهلوی در تحلیل کنفرانس تهران اعتقاد داشت که آمریکا و شوروی و انگلیس کمک‌های ایران به متفقین را تصدیق کرده‌اند و همچنین آن‌ها بر لزوم کمک اقتصادی بر ایران تأکید داشتند و مهم‌تر از همه اینکه با دولت ایران در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران وحدت نظر دارند^{۵۰} از آنجایی که یکی از اهداف متفقین در ایران دستیابی به منابع نفتی ایران بود تحلیل شاه ایران کاملاً غلط از آب در آمد و دولت ایران برای بیرون راندن متفقین بعد از جنگ جهانی حتی مجبور شد که به سازمان ملل شکایت کند.

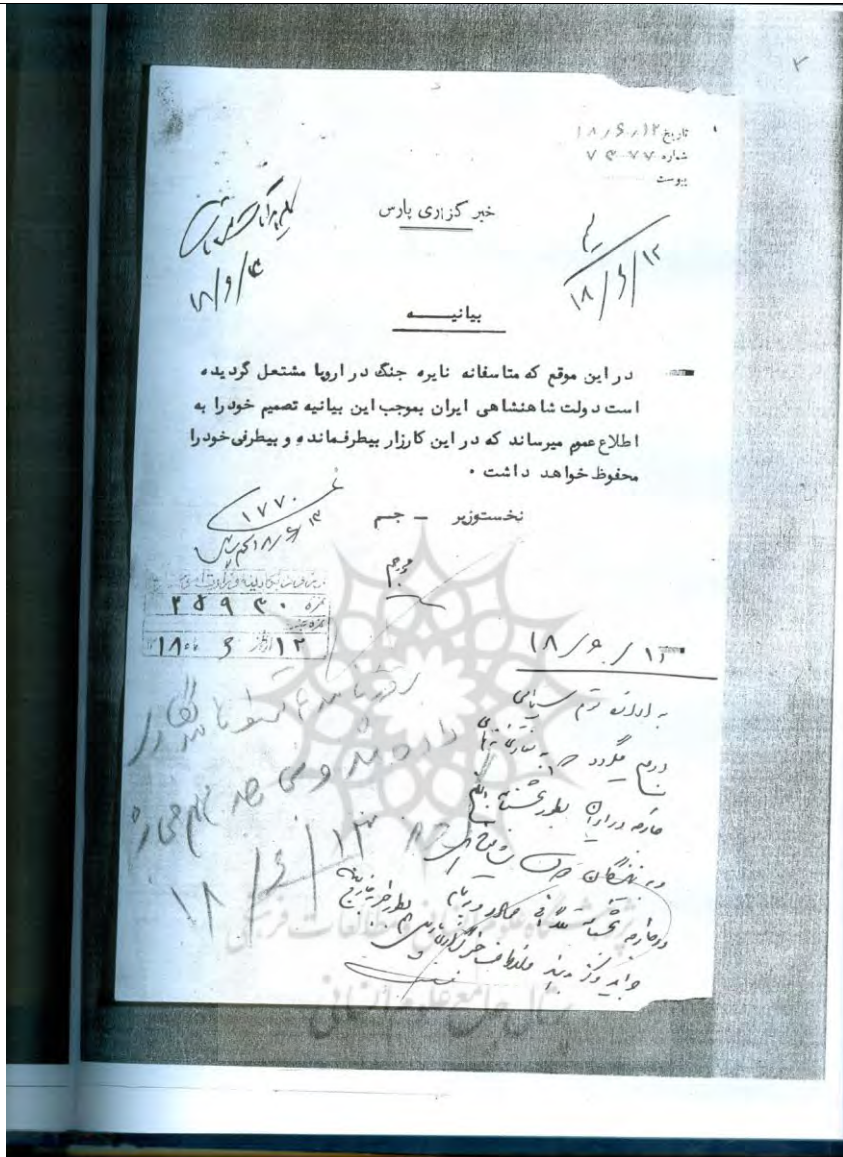
مسائل پولی و ارزی

از جمله مسائل مهمی که در این دوره در روابط ایران با متفقین به چشم خورد. بحث بر سر پول و ارز بود. طبق قرار داد مالی ایران و انگلیس، دولت ایران موظف بود احتیاجات ریالی متفقین را

تأمین کند و در پایان هر شش ماه معادل صدی چهل از ریالی را که به متفقین پرداخت کرده به نرخ رسمی طلا دریافت دارد و آن را پشتوانه اسکناس قرار دهد. معادل صدی شصت ریال پرداختی را نیز به صورت اجناس و کالاهای مورد نیاز کشور از قبیل قند و شکر و پارچه و لاستیک و غیره دریافت نماید و تردیدی نبود که انگلستان نیز چون دولت و مجلس ایران بر پیامدهای انتشار اسکناس مورد نیاز، که در نوروز 1321 به دو میلیارد ریال رسید بود، آگاهی داشت و می‌دانست این اقدام تورم قیمت کالا و کمبود مایحتاج عمومی را در پی خواهد داشت و با رشد نارضایتی مردم موقعیت دولت را بیش از پیش دشوار خواهد ساخت.^{۵۱} طبق قرار داد مذکور متفقین در قبال دریافت ریال، به طور مستقیم هیچ ارزی به ایران پرداخت نمی‌کردند، بلکه طلب ایران به حسابی در بانک‌های انگلستان و آمریکا ریخته می‌شد و دولت ایران فقط حق داشت از این حساب برای خرید کالاهای انگلیسی و آمریکایی در صورت موجود بودن استفاده کند. البته ایران می‌توانست تا چهل درصد از ذخیره ارزی خود را در انگلستان به طلا تبدیل نماید. پیامد این سیاست، افزایش فزاینده پول در گردش بود. به طوری که از مرداد ۱۳۲۰ تا فروردین ۱۳۲۴ پول در گردش از ۱۴۵۰ میلیون ریال به ۷۶۶۲ میلیون ریال افزایش یافت و پشتوانه آن از ۲۸ درصد طلا و ۳۳ درصد نقره به ۳ یا ۴ درصد طلا و نقره تنزل یافت. رشد حجم نقدینگی تورم شدید و بالا رفتن سرسام‌آور قیمت‌ها را به دنبال آورد. این تحولات اقتصادی تأثیر مخربی بر جمعیت، خاصه در شهرهای بزرگ بر جای نهاد. عمده‌ترین این تأثیرها تورم بیش از اندازه در نخستین سال‌های جنگ به خاطر مصرف زیاده حد نیروهای خارجی اشغالگر و کمبود کالاهای اساسی و پایین آوردن اجباری ارزش پول ایران بود. آمار و ارقام نشان می‌دهد، قیمت‌ها در فاصله سال‌های 1323-1319 هفت برابر شد. از پیامدهای تورم کمبود اقلام اساسی در بازار رسمی تنظیم شده به وسیله دولت و پیدایش بازار سیاه بود و جدی‌ترین کمبود در زمان جنگ در ایران، کمبود نان بود. در تهران قیمت نان در بازار آزاد در نیمه اول سال 1321 از شش سنت به یک دلار رسید. وضعیت نان در تهران فوق‌العاده خراب شده بود. دستگاه نانوايي سيلو به کار افتاده بود ولی نانی که به زحمت به مردم داده می‌شد به اندازه‌ای خراب بود که موجب تلف شدن چند نفر و شیوع بیماری در میان مردم گردید. ناامنی، غارتگری و مصرف زیاد نیروی اشغالگر موجب شد این بحران تا چند مدت ادامه داشته باشد.^{۵۲}

نتیجه گیری

تبعات ناشی از حضور متفقین در ایران علاوه بر مسائل سیاسی، در سطح اجتماع و زندگی عادی مردم نمود پیدا کرد با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان به این نتیجه رسید که ناتوانی دولت در حل مشکلات اقتصادی به دلیل ضعف مدیریت و حضور نیروهای بیگانه در کشور بود. که خسارات جبران ناپذیری بر پیکره کشور تحمیل نمود. پی در پی عوض شدن کابینه‌ها مجال تمرکز بر مسائل اقتصادی و اجتماعی را از آنان گرفته بود. این امر سبب شده بود که آن‌ها درگیر بازی‌های سیاسی بین گروه‌های مختلف شوند. و از اداره کشور غافل بمانند. همه‌ی اینها در کنار حضور متفقین در ایران نتیجه‌ای جز خسارت‌های اجتماعی و اقتصادی برای کشور در پی نداشت. دولت‌های ایران در این دوره به گونه‌ای بودند که عوض شدن پی در پی کابینه‌های دولت، عدم ثبات سیاسی در کشور را به وجود آورده بود. کابینه‌های با عمر سه، چهار و شش ماه عملاً توان اداره صحیح کشور از آنان سلب شده بود که در نتیجه مشکلات عمده چه در سطح بین الملل و چه در سطح داخلی به وجود آمده بود. رویکرد دولت در برخورد با متفقین غالباً رویکردی انفعالی و ناشی از تسلیم در مقابل خواست متفقین بود. که در موضوعاتی مثل بحران نان و کمبود مواد غذایی، مسائل پولی و ارزی، خود را آشکار می‌کرد. این موضع انفعالی دولت در مقابل متفقین باعث شده بود که بحران به سرعت در سطح کشور گسترش پیدا کند و باعث فشار اقتصادی بر مردم و بحرانهای اجتماعی شود.



سند شماره 1



وزارت امور خارجه

۹۰
۳۰/۱۹

- ۱۰ -

رونوشت یادداشت بسفا رت عراق شماره ۳۱۷۳ - ۱۹/۵/۱۳۴۰

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تمنا رفات خود بسفا رت پادشاهی عراق احتراماً مزاحمت افزا میگردد. طبق اطلاعات رسیده از مقامات مربوطه دولت شاهنشاهی ساعت ۱۱ (نهم ریز ۱۴ ماه جاری (۵ ژوئیه ۱۹۴۱) یک هواپیمای سیاه رنگ در ارتفاع زیاد از اقیانوس خاوری کنگ یا سگه کالان که در وسط جاده مها باد و سرد شد و انقضت پرواز نموده و به راز آن بطرف جنوب غربی که سمت مرز عراق میباشد مبرود. وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی با ردیگر نسبت بهت جاوزات هواپیمای خارجی از خاک عراق در آسمان ایران شنیداً اعتراض نموده و خواهمند است قدغن فرما بپند نزد مقامات وابسته دولت پادشاهی عراق اقدام لازم و توری در جلوگیری از کربت جاوزات هوا پیمای مزبور بعمل آورده و از برآ بند وزارت رتا مور خارجه را آگاه سازند.

رونوشت با اصل برابر است

بجای رئیس اداره پیمان سگانه

اصرا احمد مهید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال مجله شماره 2



وزارت امور خارجه

- ۲ -

- د - دولت ایران باید تعهد نماید هیچگونه موانعی برای حمل و نقل کالاهایی که (از جمله مواد جنگی) بمقتضای اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا کیبر حمل میشود ایجاد ننماید و همچنین حمل کالاهای و مواد پراکند در راه های شوسه و راه آهن های ایران و یا در خطوط هوایی حمل میشوند تسهیل نماید .
- ه - به بنگاههای دولت اتحاد جماهیر شوروی برای توسعه کار رفت در گورخوریان مطابق قرارداد - ایران و شوروی و همچنین برای توسعه امور شيلات در سواحل جنوبي دریای خزر مطابق قرارداد اسپران و شوروی راجع به شيلات بذل مساعدت نماید .
- و دولت ایران باید تعهد نماید که بیطرفی را حفظ نموده و بر ضرر رسانع شوروی و انگلستان در خصامی که نتیجه تجاوزات آلمان میباشد به هیچ عنوان اندامی ننماید .
- دولت اتحاد جماهیر شوروی و دولت انگلستان از طرف خود در مطالب زیر موافقت مینمایند .
- ۱ - با دولت ایران در انجام امور اقتصادی آن کمک و مساعدت نمایند .
- ۲ - حرکت نیروی شوروی و انگلستان را در آینده متوقف سازند و به محض اینکه وضعیت جنگی اجازه بدهد نیروی خود را از خاک ایران خارج نمایند .
- دولت شوروی همچنین موافقت دارد .
- ز - پرداخت حق الامتياز شيلات سواحل جنوبي بحر خزر را بر وفق قرارداد ایران و شوروی مورخ اول اکتبر ۱۹۲۷ ادامه دهد .
- دولت بریتانیا کیبر موافقت دارد .
- ح - پرداخت حقوقی را که از بابت اجاره بهای نقاط نفت خیز و غیره بطوریکه تاکنون معمول بوده - ادامه دهد .

رونوشت با اصل برابر است

بجای رئیس اداره پیمان سه گانه

امیر احمد صیبد

یادداشت‌ها

- 1- ذوقی، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران: انتشارات پاژنگ، 1367، ص 28.
- 2- امینی، سوم تا بیست و پنجم شهریور 1320، تهران: انتشارات بهار، 1320، ص 7؛ برای ملاحظه متن سند رک: ضمیمه ش 1.
- 3- درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، 1355، ج 1، ص 21.
- 4- Sir Clarmont Skrine (کنسول انگلیس)
- 5- برای اطلاعات بیشتر راجع به زندگی دکتر احمد متین دفتری رک: خاطرات یک نخست وزیر، اثر باقر عاقلی.
- 6- عاقلی، رضاشاه و قشون متحدالشکل، تهران: نامک، 1379، ص 441؛ استورات، در آخرین روزهای رضاشاه (تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور 1320) ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران: معین، 1370، ص 38؛ قانع، دو چهره مرموز، تهران: زریاب، 1377، ص 53؛ پور شالچی، قزاق: عصر رضاشاه پهلوی براساس اسناد وزارت خارجه فرانسه، تهران: انتشارات مروارید، 1384، ص 854.
- 7- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر، 1349، ص 227.
- 8- اسدی توپسرکانی، صعود و فرود پهلوی، تهران: عقیل، 1385، ص 326.
- 9- انور خامه‌ای، سال‌های پرآشوب، پژوهش در تاریخ معاصر ایران بر بنیاد اسناد طبقه بندی شده انگلستان، آمریکا و ایران، نشر و پژوهش فروزان، 1378، ص 45.
- 10- Bullard
- 11- Smirnov
- 12- عاقلی، همان، ص 453.
- 13- گنج بخش زمانی، همان، ص 223؛ برای ملاحظه متن سند رک: ضمیمه شماره 2.
- 14- تیراثیان، ایران در اشغال متفکین: مجموعه اسناد و مدارک 24-1318، تهران: خدمات فرهنگی رسا، 1371، صص 40-44.
- 15- خلیلی عراقی، وقایع شهریور، تهران: زربخش، 1322، ص 10-7.
- 16- تیراثیان، همان، ص 44.
- 17- درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، همان، ص 55.
- 18- قائم مقامی، ایران امروز، تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر، چاپ زر، 1354، ص 67؛
- Mark, Eduard M, Allied Relation in Iran, 1941-1947: The Origins of Cold War Crisis, Wisconsin Magazine of History, Autumn 1975, p 51.
- 19- اسکراین، جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: نشر سلسله، 1363، ص 154-151.

- 20- بدخشان، ایران در شهریور 1320: اوضاع حقیقی یکماهه شهریور ماه 1320، بی جا: شرکت چاپ بابل، 1321، ص 20.
- 21- بولارد، شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، 1362، ص 57.
- 22- این جلسه به ریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید.
- 23- گرامی، تاریخ اقتصادی سیاسی و اجتماعی و نظامی دوران رضا شاه، تهران: انتشارات شاهنشاهی پهلوی، 1335، ص 222.
- 24- گنج بخش زمانی، همان، ص 250؛ برای ملاحظه متن سند رک: ضمیمه ش 3.
- 25- ایران و متفقین: کنفرانس‌های آقای عبدالحسین حمزوی وابسته مطبوعات سفارت کبرای ایران در لندن، بی جا: بی نا، ص 16.
- 26- زرگر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، انتشارات پروین معین، 1372، ص 14.
- 27- خادم، ناگهان در یک سپیده دم، تهران: زوار، بی تا، ص 41.
- 28- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت محمد رضاه شاه پهلوی، تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، شهریور 1344، ص 7.
- 29- موسسه مطالعات تاریخ معاصر، سند شماره 506؛ درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، ص 115؛ روزنامه اطلاعات، شماره 4651.
- 30- Ramazani, Rouhollah, The Foreign policy of Iran 1941-1500 A developing nation in world affairs, The university press of Virginia, 1966, p 301.
- 31- در تاریخ اول ژانویه سال 1942 برابر یازدهم دی 1320 در شهر واشنگتن پیمان اتحادی بین 26 کشور بر علیه محور امضا گردید که به اعلامیه ملل متحد معروف شد.
- 32- احمدی پور، حسین، تاریخ پیدایش و خدمات پهلوی، انتشارات شورای مرکزی شاهنشاهی آذربایجان شرقی، 1344، ص 69.
- 33- خان ملک یزدی، حسن، ارزش مساعی ایران در جنگ، تهران: بی نا، 1324، ص 104.
- 34- هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر، 1349، ص 231.
- 35- شمیم، همان، ص 9؛ آقای ملک یزدی در کتاب «ارزش مساعی ایران در جنگ» تاریخ انعقاد پیمان سه جانبه را 6 بهمن 1320 ذکر کرده است.
- 36- حکیم الهی، عصر پهلوی و تحولات ایران، تهران: شرکت سهامی و چاپ انتشارات کتب ایران، 1346، ص 96-97؛ اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، به کوشش مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، تهران، خانه کتاب، آبان ماه 1389، ص 11-7.

- 37- همان.
- 38- عاقلی، نخست وزیران ایران، چاپ دوم، سازمان انتشارات جاویدان، 1374، ص 502.
- 39- آذری، شهلا، «قحطی و گرانی نان (24 - 1320 شمسی)»، مجله گنجینه اسناد، شماره 5، بهار 1371، ص 5.
- 40- فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات رسا، 1383، ص 185-194.
- 41- از جمله بازداشت شدگان آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، سرلشکر فضل الله زاهدی، سرلشکر فرج الله آق اولی، سرلشکر ابوالحسن پورزند، سرتیپ کوپال، دکتر متین دفتری نخست وزیر سابق، دکتر محمد سجادی وزیر سابق راه، موسوی زاده رئیس کل دیوان کیفر و عده‌ای از مقامات راه آهن از جمله مهندس جعفر شریف امامی معاون وقت بنگاه راه آهن بودند. چند تن از بازداشت شدگان از جمله آیت الله کاشانی و سرلشکر زاهدی به فلسطین تبعید شدند.
- 42- شجیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران (از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی)، چاپ دوم، انتشارات سخن، 1383، ص 198.
- 43- ایران و متفقین، همان، ص 36.
- 44- Anthony Eden
- 45- Cordell hull
- 46- Molotov
- 47- کنفرانس تهران: اعلامیه سه دولت راجع به ایران، وزارت امور خارجه، بی جا، 1322، ص 141.
- 48- حکیم الهی، همان، ص 110.
- 49- Hamzavi. A,H, Iran and The Tehran conference, International affairs Royal Institute of International affairs 1944), vol 20, No2, Apr1944, p 193.
- 50- حکیم الهی، همان، ص 114.
- 51- کاوشی، حسین، «مجلس سیزدهم و بحران اقتصادی پس از شهریور 1320»، فصلنامه پیام بهارستان، شماره 12، تابستان 1390، ص 611.
- 52- فوران، همان، ص 398؛ مکی، تاریخ بیست ساله، چاپ ششم، انتشارات علمی، 1380، ص 323.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی